

دو فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی
سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۹۷-۱۰۶

ردپای فعلی تالشی در دو زبان ایرانی میانه^۱

نیما آصفی*

تقدیم به دکتر فرزاد بختیاری
شاعر، ادیب و پژوهشگر ارزنده تالش

چکیده

در متون پهلوی اشکانی مانوی و نیز سغدی بودایی و مانوی، فعلی مشترک با آوانویسی *āžay*^۲ بکار رفته است که پژوهشگران زبان‌های ایرانی معنای آن را در متون پهلوی اشکانی "باز زاده شدن" و در متون

^۱ بدین وسیله از استاد بزرگووارم سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب که در نوشتن این مقاله پیوسته از دانش و آموزش ایشان بهره‌مند شدم سپاسگزاری می‌کنم.

^۲ نخستین بار این فعل تالشی را از دکتر بهروز گلی چناری شنیدم که از ایشان و نیز از دکتر یاسر کرمزاده و دکتر فرزاد بختیاری به سبب راهنمایی‌های ارزنده‌شان قدردانی می‌کنم.

*دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

nima.asefi.vg@gmail.com

سغدی "زاده شدن" در نظر گرفته‌اند. در مورد وجود همزمان این فعل با یک شکل و معنای بسیار نزدیک در زبان‌های پهلوی اشکانی و سغدی، پژوهشگران با تردید این موضوع را بیان می‌کنند که احتمالاً اصل واژه سغدی بوده و در پهلوی اشکانی به شکل وامواژه وارد شده است. در این پژوهش به وجود این فعل در زبان تالشی پی می‌بریم و معنا و گونه‌های این فعل را در تالشی و زبان‌های ایرانی میانه بازگو می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: سغدی، پهلوی اشکانی، تالشی، فعل «باز زادن»،
āžay

۱- مقدمه

تالش منطقه‌ای کوهستانی در غرب دریای کاسپین است، مردمانی که در این منطقه سکنی گزیده‌اند از قوم تالش هستند و به زبان تالشی سخن می‌گویند. این منطقه قومی از محدوده سپیدرود در استان گیلان آغاز می‌شود و تا رود کورا در جمهوری آذربایجان ادامه می‌یابد (نصرتی سیاهمزیگی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). در ایران افزون بر غرب استان گیلان، بخش‌هایی از استان اردبیل بویژه نمین و عنبران دارای گویشور تالشی هستند. زبان تالشی همچون پهلوی اشکانی در رده زبان‌های شمال‌غربی دسته‌بندی می‌شود و دارای سه گویش اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی است.

شوربختانه هیچ اثری از دوره‌های باستان و میانه این زبان برجای نمانده است اما از آنجایی که به باور برخی از دانشمندان از جمله یارشاطر (۱۳۷۱: ج ۳۹۱/۲) زبان‌های تالشی و آذری کهن ویژگی‌های بسیار نزدیکی بهم دارند و هر دو ادامه زبان مادی هستند، می‌توان از منابع کتبی آذری کهن در شناخت دوره‌های کهن‌تر زبان تالشی بهره برد. زبان تالشی با دارا بودن ویژگی‌هایی بسیار کهن و حفظ واژه‌ها و نکات دستوریِ دیرینه، یاری‌رسان خوبی برای درک دشواری‌های دستوری-واژگانی و ریشه‌شناسی

زبان‌های دوره میانه بویژه زبان پهلوی اشکانی است. نکته مورد تأکید در این پژوهش، لزوم توجه به ظرفیت زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو در جهت شناخت بهتر زبان‌های کهن ایرانی است و این مقاله تلاش دارد توجه پژوهشگران زبان‌شناسی تاریخی را به زبان تالشی جلب نماید. بر همین اساس در این پژوهش به فعلی در زبان تالشی پرداخته شده که به نظر می‌رسد در متون کهن نیز بکار رفته است. این فعل در تالشی *āžiye* تلفظ می‌شود و احتمالاً با فعلی که در متون سغدی و پهلوی اشکانی برای مفاهیم زادمرد مورد استفاده قرار گرفته، مرتبط است.

در مورد این فعل تا کنون پژوهش مستقلی انجام نشده، تنها در برخی واژه‌نامه‌های مرتبط با زبان‌های سغدی و پهلوی اشکانی از این فعل نام برده شده و یا نگاهی گذرا به ریشه ایرانی باستان آن شده است.^۳ پژوهشگرانی که پیشتر به این فعل در زبان‌های ایرانی میانه پرداخته‌اند کوچکترین اشاره‌ای به وجود این فعل در زبان‌های ایرانی نو (غیر از فارسی) نکرده‌اند و به نظر می‌رسد از وجود آن در زبان تالشی بی‌خبر بوده‌اند. در این پژوهش برای نخستین بار این فعل تالشی معرفی می‌شود و مورد بررسی و مقایسه با نمونه‌های پهلوی اشکانی و سغدی قرار خواهد گرفت.

۱-۱- پرسش اصلی و شیوه پژوهش

پرسش اصلی این مقاله پیرامون ریشه فعل تالشی *āžiye* است. برای رهیافت به پاسخ این پرسش، بر پایه شیوه توصیفی-تحلیلی، نخست نظرات مختلف دانشمندان در مورد گونه‌های سغدی و پهلوی اشکانی بازگو می‌شود و سپس با توجه به معنی فعل مورد نظر در زبان تالشی و مسائل آوایی و نیز مورد بررسی قرار دادن ستاک گذشته این فعل در زبان سغدی، پیشنهادهای در مورد ریشه و مفهوم اصلی آن داده می‌شود. در کنار این

^۳ برای توضیحات کامل در مورد نظرات مختلف نگاه کنید به بخش ۳.

پرسش اصلی، دو پرسش فرعی در مورد کارکرد پیشوند \bar{a} در زبان‌های ایرانی و مسئله و اموازه بودن گونه پهلوی اشکانی این فعل، بررسی خواهد شد. نمونه‌های پژوهش در مورد فعل تالشی و معانی و گونه‌های مختلف آن تماماً به شکل میدانی گردآوری شده‌اند.

۲- $\bar{a}\check{z}iye$ در تالشی

در گویش تالشی جنوبی، بویژه در شهرستان‌های ماسال و فومن، برای معنای "به هستی بازگشتن"، "زندگی دوباره یافتن" و "دوباره جان گرفتن" فعلی با آوانویسی و تلفظ $\bar{a}\check{z}iye$ بکار می‌رود. این فعل برای گفتگو در مورد اشخاصی که از بستر بیماری و مرگ برخاسته و زندگی دوباره یافته‌اند نیز کاربرد فراوان دارد. گونه دیگری از این فعل نیز در تالشی جنوبی دیده می‌شود که با پسوند $\bar{i}st$ ساخته شده است ($\bar{a}\check{z}iste$) البته قابل ذکر است که گونه نخست، کاربرد بیشتری میان کهنسالان منطقه دارد. از این ماده فعلی، گونه‌ای فعل سببی نیز در همان مناطق جنوبی دیده می‌شود که $\bar{a}\check{z}iy\bar{a}v\bar{e}nde$ تلفظ می‌شود و معنای "به هستی باز گرداندن"، "زندگی دوباره دادن"، "جان دوباره بخشیدن" می‌دهد.

این فعل تالشی هم از منظر ساخت و هم از منظر معنایی با فعل ($\bar{j}y$)^۴ در متون پهلوی اشکانی مانوی و ($\bar{j}y$)^۵ در متون سغدی مانوی و ($\bar{z}y$ / $\bar{z}y$)^۶ در متون سغدی بودایی مطابقت دارد.

فعل مورد نظر ما در متون پهلوی اشکانی مانوی برای مفهوم "باز زادن، باز زاده شدن" به کار رفته است (Boyce, 1986: 10; Durkin-Meisterernst, 2004: 36).

برای نمونه می‌توان به متن ۲ بند ۶ اشاره کرد:

ud imin-iž mardōhmān farroxān kē pad im žamān āžayēnd
ham hawin-iž kē amābar āžayēnd bōxsēnd až im zādmurd

^۴ با آوانویسی $\bar{a}\check{z}ay$.

برگردان این بند چنین است: و نیز این مردمان فرخ که بدین زمان باززاده شوند و نیز همه آنان که در آینده باززاده شوند، از این زادمرد رهایی یابند (اسماعیل پور، ۱۳۹۳: ۲۸۴).

در متون سغدی مانوی این فعل با ستاک حال $jy_$ و ستاک گذشته $jyt_$ به مفهوم "زاده شدن، زادن" بکار رفته است (قریب، ۱۹۹۵: ۵) همچنین این فعل سغدی با حرف نویسی Z بجای j بدون دگرگونی معنایی در متون سغدی بودایی نیز دیده می‌شود (قریب، ۱۹۹۵: ۱۶).^۵

۳- ریشه‌های پیشنهادی برای فعل پهلوی اشکانی ($jy_$) و سغدی ($zy_$) / ($jy_$)

در مورد گونه پهلوی اشکانی ($jy_$)، گیلن و به پیروی از او دورکین و نیز حسندوست گفته‌اند که احتمالاً از سغدی به شکل وامواژه وارد پهلوی اشکانی شده است (Durkin-Meisterernst, 2004:36). بیشتر پژوهشگران ریشه \sqrt{zan} "زادن" را برای گونه سغدی و به پیروی از آن برای گونه پهلوی اشکانی پیشنهاد داده‌اند و ستاک باستانی این فعل را به شکل \bar{azaya} بازسازی کرده‌اند (قریب، ۱۹۹۵: ۱۶)، گرشویچ این ستاک را با $z\bar{ayad}$ در فارسی نو سنجیده است (Gershevitch, 1961:17).

چئونگ گونه سغدی این فعل را در زیر دو مدخل جداگانه آورده که احتمالاً به دلیل تردید در اصل و ریشه آن بوده است، نخست در زیر مدخل \sqrt{jai} (زیستن) گونه سغدی بودایی ($zy_$) را نام می‌برد و صرف‌های بکار رفته در متون مختلف را بر می‌شمارد و فعل را "زاده شدن" معنا می‌کند اما هیچ اشاره‌ای به گونه اشکانی آن نمی‌کند (Cheung, 2007: 222). دیگر بار زیر مدخل \sqrt{zan} (زادن) نخست

^۵ در متون سغدی بودایی به شکل ($zy_$) نیز حرف نویسی شده است.

گونه سغدی بودایی (${}^{\text{b}}z'y_{}^{\text{b}}$) و سپس سغدی مانوی (${}^{\text{b}}jy_{}^{\text{b}}$) را نام می‌برد اما این بار تعداد کمتری از صرف‌های بکار رفته در متون سغدی را بر می‌شمارد و در ادامه به گونه اشکانی این فعل نیز اشاره می‌کند و معنای آن را با پیشوند $\bar{a}_{}^{\text{b}}$ "زاده شدن" در نظر می‌گیرد (Cheung, 2007: 464) که می‌دانیم معنای دقیقی نیست، چرا که به باور تمامی پژوهندگان این فعل در متون پهلوی اشکانی "باز زاده شدن" معنی می‌دهد نه "زاده شدن" (Durkin-Meisterernst, 2004: 3).

در راستای نظر چئونگ مبنی بر اصل قرار دادن ریشه \sqrt{jai} "زیستن" می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که دگرگونی آوایی همخوان $\check{z} < z$ از دوره باستان به میانه، در هر دو زبان سغدی و پهلوی اشکانی خلاف قاعده است مگر تحت شرایط خاص، اما تبدیل $\check{z} < j$ در هر دو زبان یاد شده امری بسیار بدیهی است.

همچنین معنای فعل مورد نظر در زبان تالشی یعنی "زندگی و هستی دوباره یافتن"^۶ هماهنگی بیشتری با ریشه \sqrt{jai} (زیستن) نشان می‌دهد تا ریشه \sqrt{zan} "زادن".

مطلب دیگری که در مورد گزینش یکی از دو ریشه فعلی پیشنهاد شده، مهم به نظر می‌رسد این است که چگونه از ریشه فعلی \sqrt{zan} "زادن" ستاک گذشته $\bar{a}\check{z}(i)t_{}^{\text{b}}$ ساخته شده است؟ می‌دانیم ستاک گذشته در زبان‌های ایرانی میانه، در صفت مفعولی باستانی ریشه دارد که از پیوستن پسوند اولیه $ta_{}^{\text{b}}$ به ریشه فعلی (معمولاً فرم ضعیف ریشه) ساخته می‌شده است، اما در هیچکدام از صورت‌های ضعیف و حتی قوی ریشه

^۶ . نگارنده به صورت پژوهش میدانی با تعداد زیادی از گویشوران منطقه مصاحبه نموده، تمامی گویشوران معنای "به هستی و زندگی بازگشتن" را برای فعل مورد نظر عنوان کردند و معنای "زادن و متولد شدن" مطرح نشد.

*√zan واکه i دیده نمی‌شود، پس واکه i چگونه در ستاک گذشته فعل مورد نظر ما پدیدار گشته است؟^۷

۴- طرح چند پیشنهاد بر مبنای نظر چئونگ و وجود گونه تالشی āziye

اگر بنا بر نظر چئونگ و دیگر موارد گفته شده در بالا ریشه *√jai "زیستن" را برای فعل مورد نظر در سغدی و پهلوی اشکانی و به پیروی از آن برای گونه تالشی درست بدانیم، باید بپذیریم که احتمالاً معنای اصلی فعل همان است که در زبان تالشی حفظ شده است یعنی "دوباره به هستی آمدن" و از آنجایی که این فعل در متون سغدی و اشکانی در عبارات مرتبط با اندیشه زادمرد و تناسخ بکار رفته است دانشمندان معنای "باز زادن" را برایش در نظر گرفته‌اند.

همچنین با پیدا شدن گونه تالشی و نیز پذیرفتن ریشه *√jai پیشنهاد شده توسط چئونگ، می‌توان با دیده تردید به موضوع وامواژه بودن āžay در متون پهلوی اشکانی نگریست. چرا که وجود این فعل در زبان تالشی می‌تواند نشانگر این باشد که کاربرد این فعل تنها منحصر به زبان سغدی نبوده و احتمالاً در برخی از زبان‌های ایرانی دیگر نیز رایج بوده است، بویژه شکل سببی آن در زبان تالشی با ساختاری کاملاً بومی یعنی افزوده شدن پسوند سببی ساز āvn و پیشوند ā می‌تواند تا حدی نشانگر اصالت این فعل در تالشی باشد. شاید بتوان چنین پنداشت که شکل باستانی این فعل از ریشه *√jai در هر سه زبان سغدی، پهلوی اشکانی و تالشی و احتمالاً برخی از

^۷ به نظر می‌رسد عدم وجود ستاک حال مجهول *jaiia از ریشه *√jai (زیستن) و نیز وجود ستاک حال مجهول zaya از ریشه *√zan (زادن) در اوستا و فارسی باستان همچنین در سنسکریت، در کنار معنای برداشت شده از متونی که فعل āžay در آن‌ها بکار رفته، یعنی مفهوم زادمرد و زاده شدن، سبب شده است که بیشتر پژوهشگران ریشه فعلی *√zan (زادن) را برای فعل āžay درست بدانند.

زبان‌های ایرانی دیگر به موازات هم وجود داشته است و نیازی نیست گونه پهلوی اشکانی را و مواژه به شمار آوریم.

نکته شایان توجه دیگر در مورد کارکرد پیشوند \bar{a} است، چنانکه در معنای فعل پهلوی اشکانی و تالشی دیده می‌شود این پیشوند معنای تکرار را به همراه دارد. اما در گونه سغدی این کارکرد دیده نمی‌شود. از آنجایی که در زبان تالشی پیشوند \bar{a} زنده است و کاربرد فراوان دارد و به روشنی برای بخشیدن معنی "دوباره" و "تکرار" به فعل بکار می‌رود (نگاه کنید به نمونه‌های جدول پایین)، و با توجه به معنای تکرار که در فعل پهلوی اشکانی $\bar{a}\check{z}ay$ آشکارا دیده می‌شود، باید چنین پنداشت که این پیشوند افزون بر کارکردهای دیگر، می‌توانسته نقش مکرر کردن فعل را نیز ایفا کند، اما در گونه سغدی فعل مورد نظر ما، کارکرد این پیشوند فراموش گشته است. نمونه‌هایی از کارکرد پیشوند \bar{a} در زبان تالشی (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۰۹):

همراه با پیشوند	بدون پیشوند	
$\bar{a}bax\check{s}e$ دوباره بخشیدن	$bax\check{s}e$ بخشیدن	۱
$\bar{a}t\check{a}\check{s}e$ باز تراشیدن	$ta\check{s}e$ تراشیدن	۲
$\bar{a}\check{c}\check{a}k\check{e}nde$ باز شکستن	$\check{c}\check{a}k\check{e}nde$ شکستن	۳

۵- نتیجه‌گیری

وجود واژه‌های کهن و نکات دستوری در زبان‌ها و گویش‌های محلی می‌تواند منبع بسیار خوبی برای درک پیچیدگی‌های واژگانی- دستوری زبان‌های ایرانی میانه و باستان باشد. به همین منظور در این مقاله فعلی کهن در زبان تالشی معرفی شد که در دو زبان سغدی و پهلوی اشکانی بکار رفته است. در زبان تالشی این فعل با تلفظ $\bar{a}\check{z}iye$ بکار می‌رود که معنای "به هستی باز گشتن"، "زندگی دوباره یافتن" و "دوباره جان گرفتن" می‌دهد. این فعل هم از منظر ساختمان و ویژگی‌های آوایی و هم

از منظر معنایی شباهت بسیار زیادی با فعل ('jy_) در پهلوی اشکانی و ('z'y_) / ('jy_) در زبان سغدی دارد. برای فعل بکار رفته در سغدی و پهلوی اشکانی دو ریشه پیشنهاد شده است. بیشتر پژوهشگران ریشه *√zan_ "زادن" را در نظر گرفته‌اند اما چئونگ ریشه *√jai_ "زیستن" را نیز پیشنهاد داده است. پیشنهاد چئونگ با معنای فعل در زبان تالشی مطابقت بیشتری دارد و می‌توان بر مبنای این پیشنهاد چنین انگاشت که معنای اصلی فعل مورد نظر در زبان سغدی و پهلوی اشکانی همچون تالشی "به هستی باز آمدن" بوده، اما چون در متونی مرتبط با اندیشه تناسخ و زامرد بکار رفته است دانشمندان زبان‌های تاریخی برای این فعل معنای "باز زادن" را در نظر گرفته‌اند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، *ادبیات مانوی*، تهران: نشر کارنامه.
- رفیعی، علی (۱۳۸۶)، «فعل پیشوندی در تالشی»، *ادب پژوهی*، شماره اول.
- قریب، بدرالزمان (۱۹۹۵)، *فرهنگ سغدی*، تهران: انتشارات فرهنگ.
- نصرتی سیاهمزیگی، علی (۱۳۹۶)، «ساخت واژگان خویشاوندی تالشی با رویکرد اجتماعی»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، سال دوم، دوره اول، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۳.
- یارشاطر، احسان (۱۳۷۱)، «آذری»، *زبان فارسی در آذربایجان*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

Boyce, Mary (1986), *A Raeder in Manichaeic Middle Persian and Parthian*, *Acta Iranica*, Leiden, Brill.

Cheung, Johnny (2007), *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Leiden: Brill.

- Durkin-Meisterernst, Desmond (2004), *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout (Belgium): Brepols.
- Gershevitch, Ilya (1961), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford: Basil Blackwell.